

استقلال کردستان عراق، وجه اشتراک وعده های بارزانی، روحانی و اوردوغان



عبدال کلپریان

جهانی و نماینده سازمان ملل برگزار شد. در این کنفرانس طرحی بنام نقشه عمل اصلاحات و رفم اقتصادی برای سه سال آینده حکومت اقلیم طرح و مورد بحث قرار گرفت. این نقشه عمل به اصطلاح رفم اقتصادی که با نظارت و در مشورت با نمایندگان این کشورها تهیه و تنظیم شده است، هدف از آن را تحت عنوان "اصلاحات اقتصادی برای مردم کردستان و راه برون رفت از بحران مالی و دارائی حکومت اقلیم نام نهاده اند". در این طرح کمکی به مبلغ پنج میلیارد دلار از این کشورها و بانک جهانی برای رفع بحران مالی حکومت عراق و اقلیم در نظر گرفته شده است.

صفحه ۳

داد و ستد تجاری با کشورهای همسایه محروم شده است". او افزود: "وضع زندگی مردم در کردستان ایران بمراتب بهتر از زندگی مردم در کردستان عراق و ترکیه است". روحانی نیز خطاب به مردم مهاباد و شهرهای مناطق مرزی وعده داد که: "اکنون وقت آن رسیده که رشد و شکوفایی در این مناطق بطور جدی از سوی دولت یازدهم دنبال شود، به زبان مادری اهمیت داده شود و مهاباد را به یک شهر توریستی تبدیل کنیم". حسن روحانی همچنین گفت که "جمهوری اسلامی شهر اربیل را از خطر داعش نجات داد". این را هم باید اضافه کرد که برای اولین بار یک نفر از نمایندگان رژیم در مجلس اسلامی از کردستان به جمع هیئت رئیسه مجلس انتخاب شده است که بیربط به تحولات منطقه نیست.

در کردستان عراق هم روز دوشنبه ۳۰ ماه مه کنفرانسی با شرکت مسعود بارزانی و هیئت وزیران و همچنین حضور سفیران و نمایندگان کشورهای، ژاپن، عربستان، کویت، امارات و چند کشور دیگر، همچنین روسای بانک

روز شنبه ۲۸ ماه مه رجب طیب اوردوغان به همراه نخست وزیر جدید این کشور بن علی ییلدیریم به شهر "آمد" در کردستان ترکیه سفر کردند. اوردوغان و ییلدیریم هر دو طی سخنانی خطاب به مردم این شهر اعلام کردند که: "حکومت ترکیه در نظر دارد اصلاحات اقتصادی گسترده ای در این شهر انجام دهد و با صرف هزینه بالایی قصد دارد این شهر را به یکی از شهرهای توریستی تبدیل کند و خواست و مطالبات اقتصادی و رفاهی مردم را وارد دور تازه ای کند". اوردوغان همچنین گفت: مردم "آمد" نباید به پ.ک.ک کمک کنند. بویژه اینکه تعدادی از ثروتمندان و سرمایه داران این شهر و مناطق دیگر، به پ.ک.ک کمک مالی میکنند و از آنها میخواهیم به این کار پایان دهند".

از سوی دیگر حسن روحانی در سفری به شهر مهاباد روز سه شنبه ۱۱ خرداد به سخنرانی پرداخت. او نیز به این مسئله اشاره کرد که: "تاکنون تحریمها سبب شده است که مهاباد و دیگر مناطق کرد نشین از رشد و رونق اقتصادی و

علیه احکام قصاص توسط جمهوری اسلامی با شعار شلاق ممنوع



نسان نودینیان

و پنجاه ضربه شلاق محکوم کرده است. جرم این کارگران صرفا تلاش برای کسب ساده ترین و در عین حال برحق ترین مطالبات کارگری و بطور مشخص بهبود وضعیت هزاران کارگر پیمانی پتروشیمی رازی بود. کارگران معترض، معلمان مبارز، نویسندگان منتقد، کارگردان منتقد، جوانان طرفدار شادی و خلاصی فرهنگی بارها مورد هجوم دستگاه قضایی و نیروهای امنیتی - اسلامی قرار گرفته و به احکام قصاص شلاق محکوم شده اند. این نظام جمهوری اسلامی است که با شلاق عهد باستان علیه مردم و جامعه ایستاده است. با اجرای احکام شلاق و زندان و جریمه برای کارگران حق خواه و معترض معدن آق دره، این اولین بار

صفحه ۲

شلاق زدن به ۱۷ کارگر معدن طلای "آق دره" در آذربایجان غربی به جرم "ایجاد اغتشاش" اولین مورد احکام قصاص توسط جمهوری اسلامی نیست. سوزش ضربات شلاق بر بدن تعدادی از نهادهای اجتماعی - هنری، کارگری، معلمان و صنفی احساس شده است! در شهریور ۹۲ دادگاه عمومی بندر خمینی، ۴ تن از نمایندگان کارگران پتروشیمی رازی را به شش ماه زندان

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته در این شماره، ویژه حمایت از جعفر عظیم زاده و محکوم کردن حکم شلاق کارگران "آق دره"

صفحه ۴

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی



اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

کنفرانس نچيروان بارزانی نخست وزیر حکومت اقلیم هم شرکت کرده و گفته "بحرانها ما را انداخته اند، اما ما را نکشته اند". همچنین سیبیل کولاکسز نماینده بانک جهانی تاکید کرده که "حکومت باید برای راه اندازی اقتصاد درآمدهای دیگر را نیز پیدا کند و

صفحه ۸

کنفرانسی در باره بحران اقتصادی اقلیم کردستان!

در روزهای گذشته کنفرانسی به منظور بررسی اوضاع اقتصادی اقلیم کردستان و چگونگی مقابله با بحران حکومتی توسط بانک جهانی و نمایندگانی از کشورهای مختلف و از جمله نماینده کشورهای G7 برگزار شده. در این

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ علیه احکام قصاص ...

نیست که نهادها و ماموران سرکوبگر جمهوری اسلامی اینگونه و با فرهنگ لمپنیسم اسلامی با شلاق زدن جوانان، فعال کارگری، فعال جنبش زنان و فعالین صنفی معلمان اقدام به تحقیر و توهین به حرمت و کرامت انسانی آنان می کنند. دستگاههای رژیم اسلامی بارها با رفتارهای شنیعی از این دست، جوانان و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی را تحقیر و مورد اذیت و آزار قرار داده اند.

نسق گیری و زهر چشم گرفتن از کارگران و معلمان و رهبران آنها سابقه طولانی در بیش از سه دهه حاکمیت نظام ضد انسانی وضد کارگر جمهوری اسلامی و دولت بعنوان حافظ منافع طبقه سرمایه داران دارد. جمال چراغ ویسی از فعالین، سخنران و رهبران سازمانده جنبش اول ماه مه را دستگیر و با وجود شکنجه و فشارهای روحی، این کارگر انقلابی و مبارز را اعدام کردند. محمود صالحی و ده ها نفر از فعالین کارگری را سالها زندانی کرده اند. حکم ۱۰ ضربه شلاق برای سه نفر از کارگران: صدیق امجدی، حبیبالله کلکانی و فارس گویلیان اجرا شد. در چند سال گذشته کارگران اتوبوسرانی تهران مورد هجوم و شبیخون نیروهای اوباش سپاه و اطلاعات قرار گرفته و بشکل سیستماتیک رهبران و سخنگویان آنها در زندانهای دراز مدت هستند. هزاران مورد از نظامی - امنیتی کردن محیط های کار و کارخانه ها به منظور سرکوب اعتصابات و اعتراضات کارگری بخش اصلی و روتین از سرکوب جنبش کارگری است. هم اکنون تعداد زیادی از فعالین کارگری در زندان بسر میبرند: زندگی و فعالیت سیاسی جعفر عظیم زاده، بهنام ابراهیم زاده... ده ها نفر از فعالین کارگری، معلمان برای دفاع از حقوق و کرامت انسانیشان بگرو گرفته شده است.

اما تمام مساله این است که توحش شلاق، سرکوب و امنیتی کردن محیط کار و کارخانه ها، زندان و دستگیری کارگران کلیدهای یک رمز و نشانه های تقابل و رویارویی در يك مصاف اجتماعی را بدست ما میدهند.

در سطح مشخص تری اجرای حکم "شلاق" کارگران طلای "آق دره"، دستگیری فعالین کارگری و معلمان يك هشدار از پیشی و يك نسق گیری از نیروئی است که در شرایط آشفته رژیم اسلامی و در دل بحران لاعلاج اقتصادی و سیاسی و بر بستر اعتراضات وسیع و لاینقطع کارگران به بیکار سازیها و عدم پرداخت حقوق معوقه و تقابل با یورش رژیم به هر نوع تشکل کارگری، میتواند در اعتراضات گسترده و پیش رو، در سازماندهی و هدایت طبقاتی، مطالبات و خواستههای اعتراضی کارگران و مزدبگیران جامعه نقطه امید واقعی برای خروج از اوضاع فلاکت بار ناشی از سلطه رژیم اسلامی در برابر مردم ایران بگذارد. رمز اصلی این دستگیریها، اجرای احکام توحش شلاق را باید در این تقابل و رویارویی ها طبقاتی - اجتماعی دید. تهدید و ارعاب، دستگیری و شلاق سیاست کپک زده و ناکام جمهوری اسلامی علیه فعالین مدنی، فعالین جنبش آزادی زن، کارگری و مدافعین حقوق کودک، فعالین صنفی و معلمان است. به قدمت حاکمیت سیاه این نظام جنایتکار این سیاستها با ابزار سرکوب اعمال شده است. بستر اصلی اعتراض و نارضایتی از جمهوری اسلامی انزوا و فاصله عمیق این نظام با مردم و جامعه است.

در قزوین مأموران قضائی ۳۵ دختر و پسر را که برای جشن فارغ التحصیلی در باغی گرد آمده بودند دستگیر می کنند و در مدت کمتر از ۲۴ ساعت کار بازجویی، تحقیقات و دادگاه آنها را به انجام می رسانند و هر يك از این جوانها را به ۹۹ ضربه شلاق محکوم می کنند. این حکم در فردای دستگیری اجرا می شود.

اجرای حکم شلاق ۱۷ کارگر معدن طلای "آق دره" حرکت توهین آمیز و اوج بی حرمتی حکومت اسلامی به کارگران در جامعه است. این رفتار شنیع و این لمپنیسم اسلامی باید از سوی هر انسان آزاده ای محکوم شود و مورد اعتراض قرار گیرد.

مبارزه برای کنار زدن اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور" توسط کارگران و معلمان بشکل وسیعی در جریان است. همدلی و همبستگی صمیمانه ای برای تحقق این خواست شکل گرفته است، بسط این اعتراضات تا سطح "شلاق ممنوع" امری ممکن و عملی است.

مبارزه توده ای برای ممنوعیت شلاق اقدامی بنیادی و با بیان امروزی اقدامی در جهت عقب زدن استراتژیک رژیم اسلامی و سیاستهای اسلامی - عهد باستانی این نظام است. نارضایتی و تنفر از احکام شلاق به وسعت جامعه و در میان میلیون ها نفر از شهروندان این جامعه موج میزند. احکام توحش شلاق بارها مورد اعتراض در داخل و خارج از کشور قرار گرفته است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران شلاق کارگران معدن طلای "آق دره" را محکوم و اعلام کرد؛ "دستگاههای قضائی بی شرمانه علیه کارگرانی احکام ضد انسانی، قرون وسطائی و متحجرانه صادر می کنند که جرمشان خواستن کار بوده، آنهم کار سخت و طاقت فرسای معدن با دستمزد چهار برابر زیر خط فقر! حکم زندان و جریمه علیه کارگران بیکار شده صادر می کنند ولی کارفرما را که عامل به بدبختی و به نابودی کشاندن ۳۵۰ خانواده است، زیر چتر و حمایت خود قرار می دهند! تخریب تابلوی شرکت استثمارگر و چپاولگر و پاره شدن لباس مأمور حراستی مهاجم، مصداق جرم برای کارگران است، اما خودکشی کارگری به خاطر فشار روحی ناشی از بیکاری و ناامیدی و توهین کارفرما و مزدوران حراستیش امری طبیعی و نقش کارفرما و مأمورانش در قتل او مترادف با قانون است. عاملان تباهی زندگی ۳۵۰ خانواده و قاتلان کارگر شرکت پویا زرکان به جای زندانی شدن و به سزا رسیدن، در سایه حمایت دستگاههای قضائی در جایگاه شاکیان قرار می گیرند و کارگرانی که از حق حیات ساقط شده اند، به وارونه مجازات می گردند. اقدامات دستگاههای قضائی دیگر هیچ حدی از بی شرمی در حق کارگران به جان آمده را باقی نگذاشته است. این برخوردهای بی

شرمانه را باید با اعتراض سراسری پاسخ داد".

سندیکیای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در محکومیت شلاق ۱۷ کارگر معدن طلای "آق دره" اعلام کرد؛ "سندیکیای کارگران شرکت واحد اینگونه احکام ناعادلانه، زندان و شلاق و جریمه را برای کارگران معترض حق طلب معدن آق دره محکوم نموده و به صادره کنندگان اینگونه احکام اعلام می کند که صدور احکام زندان و شلاق علیه کارگران حکمی است تاریخی علیه خود که صادر کرده اند".

کانون مدافعان حقوق کارگر این عمل را محکوم و اعلام میکند: شلاق زدن بر بدن کارگران معترض بیانگر خشم سرمایه داران از بن بستهای این نظام است.

در اکتبر ۲۰۱۵ دادگاه انقلاب تهران، فاطمه اختصاری و مهدی موسوی، دو شاعر را به خاطر دیدگاههای انتقادی در اشعار آنها به ترتیب به ۹ سال و شش ماه و ۱۱ سال زندان محکوم کرده است. به هر يك از این احکام، ۹۹ ضربه شلاق نیز به اتهام "توهین به مقدسات" و "دست دادن به نامحرم" نیز افزوده شده است. احکام فاطمه اختصاری و مهدی موسوی مورد اعتراض قرار گرفت.

به موازات این دو شاعر، کیوان کریمی، فیلمساز نیز با اتهامات مشابهی به شش سال زندان و ۲۲۳ ضربه شلاق محکوم شد. پس از اعلام حکم شلاق و شش سال زندان علیه کیوان کریمی کانون نویسندگان ایران، ۱۲۷ کارگردان ایرانی و انجمن ملی سینما و تلویزیون ایتالیا به حکم صادره علیه او اعتراض کرده بودند. انجمنهای قلم در آمریکا، لندن و کانادا نیز با فراخوان کمپینی از هنرمندان خواسته بودند با نوشتن نامه به مسئولین جمهوری اسلامی ایران خواستار تجدید نظر در حکم یاد شده شوند. همچنین در حرکتی نمادین در اعتراض به حکم ۲۲۳ ضربه شلاق برای کیوان کریمی، ۲۲۳ فیلمساز از سراسر دنیا در ساخت فیلمی به نام "کلمه، شلاق" شرکت کرده و هر يك با گفتن واژه ای انتخابی با کیوان کریمی همدردی

کرده بودند.

پیمان نودینیان عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان استان کردستان، عضو شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان در ایران ظهر روز یکشنبه ۱۱ اسفند ۹۲ به شکل تلفنی به دادگاه شعبه يك تجدید نظر کیفری کردستان احضار شد. قرار بود حکم عجیب ۲۰ ضربه شلاق که به اتهام واهی توهین به مأمور دولت حین انجام کار توسط دادگاه شعبه ۱۰۵ کیفری صادر شده بود بررسی و تجدید نظر شود. پیمان را از سر کلاس درس فراخواندند و حکم را اجرا کردند. پیمان نودینیان در تماسی تلفنی به حقوق معلم میگوید: حکم را اجرا کردند و پس از گذشت دو روز، در سهشنبه ۱۳ اسفند ۹۲ حکم تجدید نظر به دستم رسید!

به دنبال درج خبر اجرای حکم شلاق پیمان نودینیان جبهه متحد کرد شورای هماهنگی تشکلهای کارگری کردستان و جمعی از فعالین زنان با حضور در منزل پدری ایشان و تقدیم گل به آقای نودینیان اجرای حکم را محکوم و حمایت کامل خود را از ایشان اعلام داشتند. با بالا بردن قدرت اعتراض نظام جمهوری اسلامی باید کنار زده شود.

جمهوری اسلامی وصله ناجوری بر تن جامعه در ایران است. مردم سیاست توحش شلاق را نمیپذیرند. مردم علیه دستگاه عهد عتیق و کپک زده سیستم قضایی نظام اسلامی هستند.

علیه توحش شلاق باید ایستاد! همه جا در محلهای کار، در مدارس و دانشگاه ها، در کوچه و خیابان شعار "شلاق ممنوع" را همه گیر کنیم.

میدیای اجتماعی استفاده از اینستاگرام بویژه تلگرام، ایجاد صفحه فیس بوک "شلاق ممنوع" را ایجاد کنیم.

پتانسیل بالایی در میان مردم و جوانان در عرصه خلاصی فرهنگی وجود دارد. شکل دادن به نارضایتی و تنفر از شلاق با اقدامات ابتکاری جوانان، فعالین مدنی و صنفی عملی و امکان پذیر شده است.

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

از صفحه ۱ استقلال کردستان عراق...

از بانک جهانی، نماینده سازمان ملل و گروه جی ۷ گرفته تا دولت ترکیه، رژیم اسلامی، بارزانی و دیگر سران دول منطقه، همگی شال و کلاه کرده اند تا نشان دهند که میخواهند منطقه را که بر بستر بحران و بن بست سیاسی و اقتصادی آنان به جهنم تبدیل شده است گلستان کنند.

موارد فوق که به گوشه هایی از آن اشاره شد، اتفاقات و تحولاتی متعارف و یا رعد و برقی در آسمان بی ابر در منطقه نیستند. اوردوغان در حالی به مردم شهر "آمد" و دیگر مناطق کردنشین این کشور وعده اصلاحات میدهد که نزدیک به یکسال است به اشکال مختلف و تحت عنوان مبارزه با تروریسم و پ. ک. ک. به خشن ترین و ضد انسانی ترین حملات علیه مردم کردستان ترکیه دست زده است که همچنان ادامه دارد. آنچه که طی سالهای گذشته و ماههای اخیر از سوی دولت ترکیه، ارتش و دستگاه امنیتی این کشور علیه مردم به اجرا درآمده است، از دستگیری، بازداشت و زندانی کردن جوانان و فعالین سیاسی احزاب مخالف گرفته تا به توپ و تانک بستن شهرها و روستاهای مناطق کردنشین ترکیه سیاست و عملکردی بوده است که میتوان آنرا به یک نسل کشی بتمام معنا تعبیر کرد. سرکوب خشن از سوی ماموران دولت ترکیه و همکاری دستگاه امنیتی آن با داعش نیز تنها حرف و گفتن مردم و شبکه های اجتماعی نیست بلکه امروز دیگر این سخنان بخشی از گفته های مقامات بالای دولتهای همپیمان دولت ترکیه نیز هست.

رژیم اسلامی حاکم بر ایران نیز از زبان حسن روحانی به "دلسوز و غمخوار" مردم کردستان ایران تبدیل شده است. حسن روحانی همچون اوردوغان و به نمایندگی از سوی رژیم به دادن وعده های پوچ و نخ نما پرداخته است که حکومت متبوع او کارنامه ای مملو از قتل، کشتار، زندان، اعدام و لشکرکشی و سرکوب علیه مردم کردستان را زیر بغل دارد. حسن روحانی در حالی از اصلاحات و فراهم نمودن امکانات برای رشد و شکوفایی در مناطق کردنشین ایران دم میزند که بالاترین آمار بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده یکی از رکوردهای این حکومت محسوب میشود تا جاییکه بخش اعظم این نیرو در مناطق مرزی در کردستان و با انجام شغلی برده وار بنام کول بری مورد هجوم هر روزه ماموران این حکومت قرار میگیرند و جان خود را از دست میدهند. تداوم بازداشت و زندانی کردن و همچنین شلاق زدن کارگران و فعالین کارگری، تعقیب و اذیت و آزار فعالین جنبشهای اجتماعی در کردستان بخش جدایی ناپذیر از سیاست و عملکرد بیش از سه دهه و نیم از سوی حاکمان اسلامی علیه مردم کردستان بوده است. هزینان گویی های حسن روحانی و اوردوغان و وعده به مردم مناطق کردنشین نه تنها امروز دیگر نمیتواند کسی را فریب دهد بلکه خشم انزجار کارگران و مردم مناطق کردنشین در کردستان ایران و ترکیه علیه حاکمان را هرچه بیشتر افزایش میدهد.

اما چه اتفاقی افتاده است که نمایندگان دو حکومت بغایت ضد انسان را واداشته است که به دست و پا بیفتند و خود را "غمخوار" مردم کردستان جلوه دهند؟ این خیمه شب بازیها از سوی سران هر دو حکومت اسلامی و حکومت ترکیه از چه چیزی مایه میگیرد؟ واقعیت امر این است که تحولاتی در منطقه در حال وقوع است. تکاپوی دولت اوردوغان، حسن روحانی و مسعود بارزانی همراه با ایفای نقش دولتهای منطقه در تحولات مربوط به بخشهای مختلف کردستان و در شرایط امروز، قبل از هر چیز گویای بو کشیدن تحرکاتی از جنس بهار عربی در منطقه است که آنان را واداشته است تا در رقابت بین دولتها در منطقه، تقسیم سهم در جدال و کشمکش بین آنان سرگرم به عقب راندن هر گونه تحرك و خیزشی در میان مردم شوند. اوضاع به بن بست رسیده و بحرانی در عراق و رابطه آن با حکومت اقلیم کردستان، هر از چند گاهی بارزانی و دیگر احزاب قومی و اسلامی را وامیدارد برای بده و بستان پیش بکشند. از سوی دیگر بحث بر سر بی اعتبار شدن قرارداد "سایکس پیکو" که صد سال قبل و بعد از پایان جنگ جهانی

و شکست امپراطوری عثمانی جنبه ای از آن به تقسیم هر چهار بخش کردستان بین دول منطقه شد، برای دولت ترکیه و حکومت اسلامی نگران کننده است که مبادا بر بستر فضای مربوط به این مسئله و اوضاع بحرانی در منطقه مردم کردستان ایران و کردستان ترکیه زیاده خواهی پیشه کنند. تا جاییکه به بی اعتباری قرارداد سایکس پیکو مربوط است باید گفت سالها است که عملاً این قرارداد از اعتبار ساقط شده است. اوضاع کردستان سوریه، موقعیت کردستان عراق و از هم پاشیدگی شیرازه جامعه در عراق نمونه های بارز و روشنی از بی اعتباری این قرارداد هستند.

در رابطه با استقلال کردستان عراق باید گفت که از منظر مسعود بارزانی و دیگر احزاب شریک در قدرت، این امر منوط به توافق دولت آمریکا، برخی دول اروپایی و دیگر حکومتهای منطقه است. بارزانی و احزاب هم پیمان او در حکومت اقلیم کردستان رسالت تاریخی شان در جهت اعلام استقلال کردستان عراق خاتمه یافته است و خواهان تحقق این امر نیستند. آنان تنها بشرط اینکه تداوم حکومت پادروهای محلی شان از سوی این دولتها تضمین شود، با وضعیت کنونی قانع هستند. آنان تنها در دست اندازها و پیچ و خم های سیاسی در اوضاع بحرانی منطقه است که فقط بمنظور بده و بستان و معامله از استقلال کردستان سخن میگویند. کنفرانس روز دوشنبه ۳۰ مه در اربیل و تهدد کشورهای جی ۷، بانک جهانی و غیره برای دادن کمک ۵ میلیارد دلاری به عراق که سهمی هم عاید حکومت اقلیم گردد، یعنی معامله حکومت اقلیم برای برون رفت از بن بست و بحران کوتاه آمدن تهدید به برگزاری رفراندوم و استقلال کردستان عراق.

اما این تمام داستان نیست. آنچه که به آن اشاره شد تنها بخشی از روند اوضاع بحرانی آنهاست در میان بالایی ها است. بخش عظیم و قابل توجه تعیین تکلیف آینده کردستان عراق در دستان مردم، سازمانها، نهادها و دیگر جریانهای سیاسی و اجتماعی رادیکال، مدنی و سکولار قرار دارد که میتوانند با حضور نقش سرنوشت ساز خود در صحنه جدال سیاسی اجتماعی در جامعه

کردستان عراق به تداوم شعبده بازیهای حکومت اقلیم کردستان، رقابت دولتهای منطقه و غیره یکبار برای همیشه پایان دهند. قرار نیست حکومت اقلیم کردستان بعد از توافق دولتهای حامی و همپیمانانش آنهاست وقت گل نی و بعنوان آخرین کارت جهت کاهش بن بست و بحرانی که در آن گرفتار آمده است استقلال کردستان عراق را به فراندوم بگذارد و بعد از آن ۲۵ سال دیگر تبااهی را اینبار زیر چتر استقلال کماکان به مردم تحمیل کند.

استقلال کردستان عراق خواست و آرزوی مردم این بخش از کردستان است که با تحقق آن میتوانند خود را از دایره بحران، جنگ، آوارگی و درگیری که از قبل سیاست، افق و عملکرد احزاب حاکم و دولتهای منطقه به آنان تحمیل شده است برهانند. کسب و تحقق استقلال کردستان عراق با حضور و دخالت جدی نیروهای چپ و رادیکال جامعه، سازمانها و شخصیتهای سکولار، حضور چشمگیر کارگران و توده های مردم، افق و چشم انداز روشنی از مفهوم استقلال در دوره حاضر را در مقابل جامعه قرار خواهد دهد. برای رسیدن به این هدف و برپایی کردستان مستقل در عراق زیر پرچم چپ و به منظور تامین منافع کارگران و کل جامعه، میتوان حاکمان کنونی را تحت فشار

۱ ژوئن ۲۰۱۶

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردی شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح دست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راه جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد حزب کمونیست کارگری!

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته در این شماره، ویژه حمایت از جعفر عظیم زاده و در محکوم کردن حکم شلاق

نسان نودینیان، نسرین رضانعلی



تجمع کارگران و خانواده های آنان در پارک کودک سنندج در اعتراض به عدم پاسخگویی دستگاه قضائی به خواست جعفر عظیم زاده و شلاق زدن کارگران آق دره

روز دوشنبه ۱۰ خرداد ۹۵

جامعه از فقر و تنگدستی و تنگناهای اجتماعی، توسط دستگاه قضائی را با گام گذاشتن در مرحله تعیین کننده تری به نمایش گذاشتند. جنبش وسیعی که از هنگام صدور بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی حول مطالبه حذف اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین برافزوده است، بیانگر اهمیت این مطالبه در زندگی اکثریت جامعه است و به همین خاطر روز به روز بر وسعت و رو به اعتلا گذاشتنش افزوده می گردد.

زنده باد کارگران و معلمان و خانواده هائی که امروز با تجمعات خود، جنبش تازه پا گرفته علیه امنیتی کردن فعالیت های صنفی و اجتماعی را قدرت بیشتری بخشیدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۰ خرداد ۹۵

تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی در اعتراض به ندادن مقابله قوه قضائیه با خواست جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی

روز دوشنبه ۱۰ خرداد ۹۵ جمعی شامل اعضاء خانواده جعفر عظیم زاده، فعالین کارگری و معلمان در اعتراض به ندادن مقابله قوه قضائیه با خواست جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی از ساعت ۱۰ صبح در مقابل مجلس شورای اسلامی اقدام به تجمع کرده که تا ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه ادامه داشته

است.

این تجمع اعتراضی بعد از ۳۲ روز اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در ادامه سیل گسترده حمایت های جهانی از وی و اسماعیل عبدی، و همچنین به قصد پیگیری طوماری صورت گرفته که طی هفته گذشته در اعتراض به مقاومت دستگاه قضائی در برابر اعتراضات بین المللی و فشار آوردن به جعفر عظیم زاده به منظور شکستن اراده اش از پیگیری خواست حذف اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین، با امضاء بیش از ۳ هزار و ۹۰۰ مجلس شورای اسلامی داده شد و در آن خواهان پاسخگویی شده بودند.

در جریان تجمع امروز مقابل مجلس، کسی به نمایندگی از مجلس برای جویا شدن از علت تجمع به میان جمع آمده که تجمع کنندگان ضمن ارائه گزارشی از وضعیت جعفر عظیم زاده، با ارائه نامه ای خطاب به هیئت رئیسه مجلس با امضاء خانواده جعفر عظیم زاده و تعدادی از تجمع کنندگان خواهان پاسخگویی به خواست مندرج در طومار ۳ هزار و ششصد نفری و رسیدگی فوری به مطالبه عظیم زاده شدند. همچنین معترضین اعلام کردن در صورت بی پاسخ ماندن خواستشان از فردا ورزهای آتی به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

قابل توجه است که از هنگام انتشار بیانیه جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی، همزمان با مقاومت رو به بیرون و عریان دستگاه قضائی در برابر خواست آنها مبنی بر حذف اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین صنفی و اجتماعی که اکنون به يك خواست سراسری در ایران با پشتوانه ای جهانی تبدیل گشته است، در داخل زندانها و بازداشتگاهها، در خفا و به دور از انظار عمومی فشارها و مقابله هایی همسو با آنچه که به طور علنی بیرون از زندانها در جریان است، علیه افرادی که طی این مدت بازداشت شده اند، به نمایش گذاشته می شود. طی این مدت تعدادی از فعالین بازداشت شده اند که دستگاههای قضائی با دور زدن همین قانونی که بر مبنای آن

"خواستار نان بودن" را مصداق جرم علیه کارگر و معلم و غیره می دانند، همچنان تا زمان محاکمه و تعیین تکلیف نهائی (مجازات یا تیره و آزادی) در بازداشت هستند در حالیکه مطابق قانون باید تا زمان محاکمه و صدور حکم با سپردن وثیقه موقتاً آزاد شوند!

جعفر عظیم زاده با پشت سر گذاشتن ۳۲ روز اعتصاب غذا، جانش در خطر است در حالیکه مسؤلان قضائی همچنان به قصد شکستن اراده توده ای در اصرار بر حذف اتهامات امنیتی از پرونده های فعالین، سعی بر عدم پاسخگویی دارند و از طرفی دیگر در بازداشتگاهها و زندانها با بلا تکلیف نگه داشتن بازداشت شدگان می خواهند پروژه مقابله با این خواست سراسری را تکمیل نمایند. باید وسیعاً به این رویه و رویکرد مسؤلان مربوطه اعتراض کرد. باید به تجمعات اعتراضی خود مقابل مراکز و نهادهای مسؤل که از امروز شروع شده ادامه داد و به طور گسترده در آنها شرکت کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۰ خرداد ۹۵

اقدام غیر انسانی دیگر! اجرای احکام جزای نقدی و شلاق علیه کارگران آق دره

در روزهای پایانی ماه گذشته احکام پرداخت جزای نقدی و شلاق علیه ۱۷ کارگر معدن طلای "آق دره" تکاب از استان آذربایجان غربی که توسط شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری تکاب و شعبه تجدید نظر استان آذربایجان غربی صادر شده بود، به اجرا گذاشته شده است. این کارگران که تعدادشان ۳۵۰ نفر بوده دی ماه سال ۹۳ توسط شرکت پویا زرکان (پیمانکار اصلی معدن) با پایان یافتن قراردادهای کاریشان اخراج شده بودند، روز ششم دی مقابل شرکت دست به اعتراض زده بودند که مأموران حراست شرکت به کارگران معترض یورش می بردند. در جریان همان اعتراض ساعت ۸ شب یکی از کارگران که به خاطر برخورد توهین آمیز مأموران حراستی و فشار روحی ناشی از بیکاری و ناامیدی از امکان تأمین معاش خانواده اش اقدام به خود کشی می کند و دستگاه قضائی طبق معمول به وظیفه ضد کارگری خود عمل کرده و با شکایت کارفرما و مزدوران

حراستی شرکت، به اتهام ایجاد اغتشاش علیه حدود ۱۷ نفر از کارگران اعلام جرم کرده است.

دستگاههای قضائی بی شرمانه علیه کارگرانی احکام ضد انسانی، قرون وسطائی و متحجرانه صادر می کنند که جرمشان خواستن کار بوده، آنهم کار سخت و طاقت فرسای معدن با دستمزد چهار برابر زیر خط فقر! حکم زندان و جریمه علیه کارگران بیکار شده صادر می کنند ولی کارفرما را که عامل به بدبختی و به نابودی کشاندن ۳۵۰ خانواده است، زیر چتر و حمایت خود قرار می دهند! تخریب تابلو شرکت استثمارگر و چپاولگر و پاره شده لباس مأمور حراستی مهاجم، مصداق جرم برای کارگران است، اما خودکشی کارگری به خاطر فشار روحی ناشی از بیکاری و ناامیدی و توهین کارفرما و مزدوران حراستیش امری طبیعی و نقش کارفرما و مأمورانش در قتل او مترادف با قانون است. عاملان تباهی زندگی ۳۵۰ خانواده و قاتلان کارگر شرکت پویا زرکان به جای زندانی شدن و به سزا رسیدن، در سایه حمایت دستگاههای قضائی در جایگاه شاکیان قرار می گیرند و کارگرانی که از حق حیات ساقط شده اند، به وارونه مجازات می گردند.

اقدامات دستگاههای قضائی دیگر هیچ حدی از بی شرمی در حق کارگران به جان آمده را باقی نگذاشته است. این برخوردهای بی شرمانه را باید با اعتراض سراسری پاسخ داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۹۵ خرداد ۵

خودکشی کارگر خیابان در کرمانشاه!

بر اساس خبر دریافتی روز پنجشنبه ۶ / ۳ / ۹۵ يك کارگر اخراجی به نام "فرزاد پریزن" کارگر یکی از خیابانی های کرمانشاه، جهت پیگیری دلیل اخراج و طرح شکایت به اداره کار می رود و خواستار رسیدگی به پرونده اخراج خود و به جریان انداختن بیمه بیکاری اش می شود.

اما وقتی که با جواب سربالا و بی تفاوتی مقام های اداره کار مواجه می شود، در اوج ناراحتی، تهدید به خود سوزی می کند که

نگاه هفته مجموعه اخبار...

از صفحه ۴

در جواب او می گویند که برو هر غلطی دلت می خواهد بکن! این کارگر هم جلوی چشم همه و در کمال ناباوری اطرافیان، چهار لیتر بنزین که از قبل با خود برده بوده را روی بدن اش ریخته و خود را به آتش می کشد و همان جا، جان خود را از دست می دهد.

این اولین بار نیست که کارگران جان به لب رسیده، این چنین از فقر و قلاکت و سیاه روزی حاکم بر زندگی شان، اقدام به خودکشی می کنند. این خبرها روزانه در چهار گوشه کشور شنیده می شود. ما درگذشت فرزند پرین را به خانواده و همکاران اش تسلیت می گوئیم و اعلام می کنیم که کارگران خودکشی چاره کار و راه حل مشکلات نیست، بلکه باید با اتحاد و همبستگی و اعتراض به شرایط سخت زندگی، به خواست های خود برسیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۸/۳/۱۳۹۵

سندیکای کارگران شرکت واحد: اجرای احکام زندان، شلاق و جریمه، علیه کارگران معترض و حق طلب را محکوم می کنیم

اجرای احکام شلاق و زندان و جریمه برای کارگران حق خواه و معترض معدن آق دره در حالی به اجرا در می آید که این زحمت کشان از اعماق تونل های تنگ و تاریک زمین برای معاش خود تلاش میکنند و با توجه به کارسخت و مشقت آوری که در مقابل مزد ناچیزی انجام می دهند باز هم کارفرما در مقابل اعتراض کارگران نسبت به حق و حقوقشان، دست به اخراج فله ای این کارگران زده و در سال گذشته بیش از ۳۵۰ تن از این کارگران را به بهانه تعدیل نیرو از کارشان بیکار شده اند. متأسفانه این کارگران در حالی از سوی محاکم قضایی به شلاق و زندان و جریمه محکوم می شوند که فقط و فقط برای بازگشت بکار خود با همان شرایط مشقت بار دست به اعتراضات جمعی زده بودند و درخواستی جز بازگشتن به سر کارنداشتند! اما کارفرما بقدری نفوذ در دستگاههای امنیتی و قضایی دارد که از طرف دستگاه

قضایی این کارگران محکوم به زندان و شلاق و جریمه می شوند و ضربات شلاق چنان بر بدن این زحمتکشان فرود می آید که هیچکس صدای فریاد و اعتراض این کارگران را نمی شنود. برآستی حق کارگرانی که تنها منبع درآمد زندگیشان همین کارگری در معدن است چنین حکم ظالمانه ای از سوی محاکم قضایی است؟ متأسفانه این احکام در حالی برای این معدن چیان صادر و اجرا میشود که در کشور هر روز شاهد اختلاس های میلیاردری و رانت خواری گسترده از طریق فسادهای گسترده اداری هستیم، کلاهبرداریها و رانت خوارها با اعمال نفوذی که در دستگاه های مختلف اجرایی دارند آزاده به چپاول و غارتگری قشر زحمت کش جامعه مشغول هستند و هیچ باکی از محاکمه و زندان هم ندارند اینگونه احکام ناعادلانه را علیه کارگران زحمت کش و حق طلب محکوم میکنیم و از دستگاه قضایی و مسئولین می خواهیم بجای احکام زندان و شلاق برای کارگران محکوم کردن این زحمت کشان بهتر است به فکریشه کن کردن فقر و فساد گسترده ای که ناشی از رانت خواری و رشوه گیری در سازمانهای دولتی و اجرایی در کشور بوجود آمده باشند و نیرو و توانی را که برای سرکوب این کارگران معترض و حق خواه می گذارید صرف مبارزه با آقا زاده ها و سازمانهایی که در دست از چپاول و غارت مردم فرو دست صاحب ثروت های باد آورده و چند هزار میلیاردری شده اند. سندیکای کارگران شرکت واحد اینگونه احکام ناعادلانه، زندان و شلاق و جریمه را برای کارگران معترض حق طلب معدن آق دره محکوم نموده و به صادره کنندگان اینگونه احکام اعلام می کند که صدور احکام زندان و شلاق علیه کارگران حکمی است تاریخی علیه خود که صادر کرده اند. بار دیگر سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام میدارد تجربه مبارزات کارگری نشان داده، داغ و درفش و زندان نمی تواند کارگران را از دست یابی به مطالباتشان دلسرد کند و تنها راه دست یافتن کارگران به یک زندگی مناسب را حق داشتن آزادی ایجاد

تشکیل سندیکا های کارگری و مستقل کارگری میدانند و حق اعتراض و اعتصاب برای کارگران را حق مسلم همه ی کارگران میدانند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

ضربات شلاق سرمایه بر پشت کارگران معدن آق دره!

هفته گذشته انتشار خبر محکومیت ۱۷ نفر از کارگران معدن طلا آق دره در ۳۰ کیلومتری تکاب، به جزای نقدی و شلاق، انعکاس گسترده ای در رسانه های مختلف داشت. این کارگران که حکم شلاق آنها در آخرین روزهای اردیبهشت به اجرا در آمده است، بخشی از ۳۵۰ نفر کارگر فصلی هستند که در دی ماه سال ۱۳۹۳ به اخراج خود اعتراض داشتند. آنها در روز ششم دی آن سال، تجمع گسترده ای را در مقابل معدن سازمان دادند که ساعت ۸ شب، عوامل صاحب معدن با کارگران معترض درگیر می شوند. پس از آن، دستگاه قضایی، پرونده ای را بر علیه ۱۷ نفر از کارگران به اتهام اغتشاش و "ممانعت و بازداشتن مردم از انجام کسب و کار با ایجاد هیاهو و جنجال" و تخریب، در دادگاه کیفری شهر تکاب، تشکیل می دهد.

با اعلام خبر به اجرا در آمدن حکم شلاق کارگران معدن آق دره، بسیاری از کارگران، تشکل های کارگری و مدنی و انسان های آزادی خواه این حرکت ضد کارگری را محکوم کردند. این اولین بار نیست که حکم شلاق بر علیه کارگران صادر می شود و بسیاری به یاد دارند که چگونه در سال ۱۳۸۷ و در شهر سندرچ سوسن رازانی و شیوا خیرآبادی را به اتهام شرکت در مراسم روز جهانی کارگر، شلاق زدند. بدون شک حکم شلاق نیز مانند حکم های دیگری چون جریمه و زندانی کردن و یا سرکوب و ضرب و شتم اعتراض های کارگری، بخشی از پروژۀ ی حاکمیت برای مقابله با حرکت های حق طلبانه کارگران است. مشاهده واقیعت ها این را به ما نشان می دهد که نظام سرمایه داری حاکم بر ایران با تمام قوا و با استفاده از تمامی ابزارهای موجود، می خواهد هر گونه دادخواهی کارگران و اعتراض به بی حقوقی و فقر و فلاکت شان را با سرکوب عریان تر، پاسخ دهد. حاکمان

سرمایه با فرود آوردن ضربات شلاق بر پشت کارگران معدن آق دره می خواهند این پیام آشکار را به طبقه کارگر ایران بدهند که فریاد آنها علیه فقر و بیکاری را سرکوب می کنند. صاحبان سرمایه می خواهند که نظم اقتصادی شان حفظ شود و کارگران باز هم برای رشد و انباشت ثروت آنها و در اغوش گرفتن سرمایه داری جهانی، به ریاضت کشی تن دهند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری نیز همراه و همگام با تمامی کارگران و تشکل های کارگری و اجتماعی و انسان های آزاده، اجرای حکم غیر انسانی شلاق را بر علیه ۱۷ نفر از کارگران معدن آق دره محکوم می کند. بدون شک پاسخ کارگران به چنین حکم های ظالمانه ای، ادامه حرکت اعتراضی آنها تا دستیابی به مطالبات شان است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۱۳۹۵/۳/۹

شلاق زدن بر بدن کارگران معترض بیانگر خشم سرمایه داران از بن بستهای این نظام است

۱۷ نفر از کارگران معدن طلا آق دره که حق و حقوق خود را از کارفرمای معدن مطالبه کرده بودند به شلاق محکوم شده و حکم شلاق در باره آنان اجرا شد.

این اولین بار در تاریخ نیست که کارگران و زحمتکشان در ایران برای احقاق حقوق خود به شلاق، که یکی از وحشیانه ترین مجازات های ضد انسانی است، محکوم می شوند. کارگران و زحمتکشانی که در سخت ترین شرایط برای گذران زندگی خود و خانواده هایشان کار میکنند، جسمشان، در آلوده ترین شرایط کاری به سرعت فرسوده می شود و محیط زندگی خود و خانواده هایشان به دلیل عدم رعایت موارد زیست محیطی در خطر جدی است. (در این کارخانه جهت استحصال و فرآوری طلا روزانه ۴ تن سیانور، ۶ تن انواع مواد سمی دیگر روانه منطقه و طبیعت تکاب می شود)

آنان بارها به شیوه های مختلف اعتراض خود را به شرایط غیرانسانی که در آن به تناوب کار می کنند و بیکار می شوند ابراز داشته اند. از تحصن و تجمع و اعتصاب گرفته تا نوشتن و ارسال

نامه به مقامات مسئول. این کارگران به چه چیزهایی اعتراض داشته اند؟

آنان به حقوق نگرفته، اخراج های بی دلیل، نداشتن بیمه بیکاری، استحصال بیش از حد، غیرقانونی و غیر اصولی معدن و همچنین آلودگی شدید محیط زیستشان بارها و بارها اعتراض کرده اند. اما گوش شنوای مسوولان فقط برای صاحبان سرمایه باز است و پیگیرانه شکایت صاحبان معدن را پیگیری می کنند تا مبادا اندکی از سود سرشارشان کاسته

شود. اما چشم و گوش آنان بر جنایتی که هر روزه بر این کارگران و خانواده هایشان می شود، همیشه بسته بوده است.

معدن طلائی که سود های سرشاری نصیب دولت و صاحبان معدن میکنند، گویا برای اطفای حرص سیری ناپذیر این سرمایه داران کافی نیست، بلکه باید حتی دستمزد بخور و نمیر کارگران را هم زدید تا بر آرز سیری ناپذیر خود مرهم

بگذارند و از خشم به بن بست رسیدن همه برنامه های خود و افشای شیوه های غیرانسانی سودجویی شان، کارگران را به شلاق ببندند تا شاید راه استثمار و بهره کشی را بازتر کنند.

غافل از آنکه این اعمال نشان از به آخر رسیدن خط ستم و استثمار است

کانون مدافعان حقوق کارگر خرداد ۱۳۹۵

پیام تشکلهای مستقل کارگری ایران به یکصدوپنجمین اجلاس سازمان بین جهانی کار (ILO)

ابتدا لازم است از ITUC به خاطر معرفی آقایان محمد جراحی، جعفر عظیم زاده و بهنام ابراهیم زاده (کارگران زندانی) به عنوان نمایندگان از تشکلهای مستقل کارگران ایران در یکصد و پنجمین اجلاس سازمان جهانی کار تشکر کنیم.

متأسفانه حضور آنان در اجلاس ممکن نیست، زیرا جعفر عظیم زاده از آبان ۱۳۹۴ برای گذرانیدن محکومیت ۶ سال در زندان اوین زندانی است و از روز دهم اردیبهشت ۱۳۹۵ به همراه اسماعیل عبیدی از فعالان معلمان ایران با خواست

نگاه هفته مجموعه اخبار ...

از صفحه ۵

حذف اتهامات امنیتی از پرونده های فعالان صنفی، در حال اعتصاب غذا می باشد. محمد جراحی نیز به ۵ سال زندان محکوم شده و در حالی که به بیماری سرطان تیروئید مبتلاست و با تأیید پزشکان باید بیرون از زندان به مداوای خود ادامه دهد، از سال ۱۳۹۰ بدون برخورداری از هیچ گونه مرخصی در زندان تبریز به سر می برد. بهنام ابراهیم زاده نیز در آخرین سال از حبس ۵ ساله اش، مجدداً به ۹ سال حبس محکوم شده است.

پیام خود را با این پرسش آغاز می کنیم که: چرا با وجود اعتراض طولانی مدت تشکلهای مستقل کارگران ایران، همچنان کسانی به عنوان نمایندگان کارگری از جانب نهادهایی مانند خانه کارگر، شورای عالی نمایندگان کارگری، کانون عالی انجمنهای صنفی و شورای اسلامی کار در اجلاس های سازمان جهانی کار شرکت می کنند که نه تنها منتخب کارگران ایران نبوده بلکه از اعضای تشکلهای دولتی کارگری هستند که در سرکوب و به انحراف کشاندن مبارزات کارگران ایران دخالت آشکار و مستقیم دارند؟ از این جهت کارگران ایران و نهادهای مستقل کارگری آنان را نه تنها به عنوان نماینده نمی شناسند بلکه بر طبق ماده ۲ اساس نامه سازمان جهانی کار که بر مستقل بودن نهادهای کارگری تأکید دارد، خواهان اخراج آنان از آن اجلاس و خاتمه سیاست های مداخلات گرانه با این نمایندگان دروغین کارگران ایران هستند.

در سال گذشته وضعیت کارگران در ایران نه تنها هیچ گونه بهبودی نیافته، بلکه محدودیت ها برای تشکلهای مستقل کارگری و فعالیتهای آنان بیشتر شده است. در حالی که همه نهادهای دولتی که با نام نهادهای کارگری فعالیت آزادانه دارند، غیر از همکاری با ارگانهای امنیتی و حراستی و معرفی فعالین کارگری به ارگانهای مذکور، همکاری و شرکت مستقیم در سرکوب اعتراضات کارگری، به راه انداختن راهپیماییهای نمایشی به نام کارگر در حمایت از جناحهای

قدرت، تبلیغات و نمایشات فاشیستی علیه کارگران مهاجر افغانستانی به خصوص در روز جهانی کارگر، تباری با نمایندگان کارفرمایان و دولت در شورای عالی کار در تحمیل حداقل دستمزد چهار الی پنج برابر زیر خط فقر به کارگران ایران، چیزی در سوابق خود ندارند. دولت ایران نیز به رغم امضاء مقاله نامه های سازمان جهانی کار که الزام به اجازه ایجاد تشکلهای کارگری مستقل و غیر وابسته به دولت را در خود دارند، اما همچنان تشکلهای مستقل کارگری را به شدت تمام مورد سرکوب قرار می دهد. تنها در مدت یکسال گذشته

دهها مورد از بازداشت، محاکمه و زندانی شدن فعالین کارگری ثبت شده است. اتهامات اغلب این فعالان کارگری و صنفی اقدام علیه امنیت ملی یا تبلیغ علیه نظام اعلام می شود در حالی که جرم آنها تنها دفاع از حقوق کارگران است. بسیاری از این دستگیرشدگان با بد رفتاری ها و فشارهای زندان و خشونت های شدید مواجه اند. سال گذشته شاهرخ زمانی، از اعضای هیات موسس سندیکای نقاشان ساختمانی و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های مستقل در زندان گوهردشت به دلایل نامعلوم فوت کرد. محمود صالحی از اعضای سندیکای کارگران خباز سنندج و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری به دلیل عدم رسیدگی درمانی و پزشکی و ممانعت از دریافت داروهای ضروری، کلیه های خود را از دست داده و اکنون مجبور به دیالیز است. وی با وثیقه آزاد شده است.

از موارد دیگر سرکوب کارگران ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد: بازداشت و صدور حکم ۶ سال حبس برای جعفر عظیم زاده، صدور حکم ۳ سال و نیم حبس برای جمیل محمدی و بازداشت شاهپور احسانی راد (هر سه نفر از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران هستند) بازداشت ابراهیم مددی، صدور حکم ۵ سال حبس برای داوود رضوی، صدور یک سال زندان مجدد برای رضا شهبابی

(از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و هومه)، بازداشت و صدور حکم ۹ سال حبس برای محمود صالحی از اعضای سندیکای کارگران خباز سنندج و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، بازداشت و آزادی موقت علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشگر هفت تپه با قرار وثیقه، بازداشت و آزادی موقت با قید وثیقه واله زمانی از اعضای سندیکای نقاشان البرز، بازداشت جلیل محمدی فعال کارگری در روز ۱۷ اسفند ۱۳۹۴، بازداشت لطف اله احمدی، نادر رضا قلی و حسین حسن آبادی در مراسم روز جهانی کارگر امسال در سنندج، بازداشت حسین آذرگشسب معلم و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و سید رسول طالب زاده و ناصر محرم زاده از اعضای سندیکای رانندگان شرکت واحد در مراسم روز جهانی کارگر امسال در تهران.

احضار سید جلال حسینی، سید انور معطر فعالین کارگری، رحمان کاردار، حسین مرادی و عباس اندریانی از اعضا، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، منصور کریمی، خلیل کریمی، شیث امانی، طیب چتانی، مظفر صالحی نیا از اعضا اتحادیه آزاد کارگران ایران در آستانه روز جهانی کارگر ۱۳۹۵.

در کنار این فشارهای مضاعف برای کارگران و تشکل های مستقل کارگری، نهادهای دولتی و حکومتی تلاش می کنند تا تشکلهای گوش به فرمانشان را بر کارگران تحمیل کنند، تشکل هایی که بدون رای کارگران و بدون ساز و کارهای انتخابی مستقل، به وجود آمده اند و برخی از آنها تنها بر روی کاغذ وجود دارند؛ تا بتوانند در سطح بین المللی و در اجلاسهای سازمان جهانی کار مشروعیت به دست آورند. به عنوان مثال در حالی که فضای کارخانه های خودروسازی همچون سالهای قبل پلیسی و نظامی است و بسیاری از مدیران این واحدهای تولیدی از اعضای ارگانهای نظامی هستند، خبر تأسیس اتحادیه کارگران خودرو سازیها از جانب رسانههای دولتی

منتشر می شود. بسیاری از این اتحادیه های غیر واقعی، تحت پوشش و زیرمجموعه خانه کارگر محسوب می شوند مانند اتحادیه زنان کارگر که بخش زنان خانه کارگر است و...

حداقل حقوق اعلام شده برای کارگران در سال گذشته، کمتر از ۴ برابر زیر خط فقر اعلام شده از طرف خود نهادهای حکومتی (۱۰۰۰ دلار) است. تحمیل افزایش ۱۴ درصدی دستمزدها به بهانه کمبود نقدینگی و جلوگیری از افزایش تورم عنوان می شود، اما هم زمان حقوق مدیران دولتی به میزان ۵۰ درصد افزایش می یابد در حالی که دریافتی این مدیران ده ها برابر کارگران است. این نابرابری ها باعث افزایش و گسترش فقر و سیه روزی کارگران و خانواده هایشان است. این فشارهای اقتصادی سبب افزایش بیش از حد کودکان کار در ایران شده است. به گزارش منابع مستقل بیش از ۷ میلیون کودک کار با کمترین دستمزدها در ایران مشغول به کار هستند.

حقوق های معوقه همچنان به روال عادی در واحدهای تولیدی و صنعتی ایران تبدیل شده است. دستمزد و حقوق صدها هزار کارگر با تاخیرهای چند ماهه و یا حتی چند ساله روبرو است. از این جهت این کارگران و خانواده هایشان تحت فشارهای سنگین بوده و در صورت مطالبه حقوق خود پس از چند ماه با خطر دستگیری، زندان و اخراج مواجه اند. لیست زیر بخشی از نحوه مقابله با کارگران معترض در ایران است:

به گلوله بستن کارگران معترض بیکار روستای شهرونی بهبهان و زخمی شدن دو نفر و کشته شدن یک نفر به نام مرتضی فرج نیا در روز ۲۴ آبان ۱۳۹۴. بازداشت ده نفر از کارگران فازهای ۲۳، ۲۲ و ۲۴ عسلویه در روز ۲۲ دی ۱۳۹۴ که با دادن تعهد آزاد شدند. بازداشت دوازده نفر از کارگران سیمان در روز ۲۷ دی ۱۳۹۴. بازداشت بیست و هشت نفر از کارگران اخراجی مس خاتون آباد در روز ۶ بهمن ۱۳۹۴. بازداشت ده نفر از کارگران مجتمع مس میدوک در شهر بابک استان کرمان در روز ۱۵ فروردین ۱۳۹۵. محاکمات مکرر نه کارگر سنگ معدن بافق در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵. لازم به ذکر است که همه

کارگران بازداشت شده موقتاً با سپردن وثیقه تا زمان محاکمه و صدور حکم آزاد می باشند. آخرین مورد این برخوردها نیز اجرای حکم شلاق و جزای نقدی برای ۱۷ نفر از کارگران معدن طلاي آقده است.

انواع تبعیض های آشکار و پنهان برای زنان کارگر، کارگران مهاجر و اقلیت های قومی و ملی و مذهبی به شدت در جریان است. نهادهای دست ساز دولتی که خود را نماینده کارگران ایران جا می زند از سردمداران تقویت افکار فاشیستی علیه این اقلیت ها، به خصوص کارگران مهاجر افغانستانی در ایران هستند. این کارگران دستمزدهایی بسیار پایین تر از حداقل حقوق اعلام شده را دریافت می کنند و از هیچ گونه حمایت های قانونی برخوردار نیستند.

مسائل و موضوعاتی که در بندهای فوق اشاره شد بخش هایی از وضعیت و شرایط حقیقی زندگی طبقه کارگر و پیشروان آن در ایران را نشان می دهد. واقعیتی خلاف ادعاهای مقامات ایرانی در مجامع بین المللی مبنی بر رعایت حقوق کارگران، را به اثبات می رسانند. با توجه به این اجحافات فاحش و بی حد و حصری که در حق کارگران ایران صورت می گیرد، ما مصرانه خواهان منع حضور عوامل شوراها اسلامی کار، خانه کارگر و دیگر تشکلهای دولتی و ضد کارگری در اجلاس سازمان جهانی کار می باشیم و همچنین رفع ممنوعیتهای موجود سر راه حضور نمایندگان واقعی کارگران ایران هستیم.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
انجمن صنفی کارگران
برق و فلز کار کرمانشاه
کانون مدافعان حقوق کارگر
کمیته پیگیری ایجاد
تشکلهای کارگری

پیام جعفر عظیم زاده به
اجلاس سازمان جهانی کار
ILO
می ۲۰۱۶

با سلام و احترام
جناب دبیر کل و نماینده های
کارگری حاضر در اجلاس
من جعفر عظیم زاده کارگر
زندانی در ایران هستم و امروز ۲۷
می، بیست و نهمین روز اعتصاب
صفحه ۷

نگاه هفته مجموعه اخبار ...

از صفحه ۶

غذا را در اعتراض به نقض گسترده حقوق بنیادین کارگران ایران و در اعتراض به عملکرد سازمان جهانی کار ILO پشت سرمیگذارم.

من بدلیل شرکت موثر در تاسیس اتحادیه آزاد کارگران ایران، شرکت در جمع آوری چهل هزار امضا با خواست اجرای ماده ۴۱ قانون کار برای افزایش مزد، مشاوره و کمک به کارگران اعتصابی در برخی نقاط کشور برای دستیابی به خواسته های قانونی ایشان، برگزاری و شرکت در تجمعات مسالمت آمیز کارگری در مقابل وزارت کار و مجلس و برگزاری نشست با دیگر تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری به شش سال زندان محکوم شده ام.

لازم است تاکید کنم نکاتی را که به عنوان دلایل محکومیت شش ساله ام برشمرده عینا اهم مواردی است که در متن حکم صادره بر علیه من به عنوان مصادیق اتهامات اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ذکر شده است.

بهنام ابراهیم زاده و محمد جراحی بیش از شش سال است به دلیل فعالیتهای صنفی در زندان به سر میبرند. بهنام به دلیل ابراز نظر و عقیده از داخل زندان به هفت و نیم سال زندان دیگر نیز محکوم شده است. علاوه بر اینها در طول یک سال گذشته صدها کارگر بدلیل اعتراضات مسالمت آمیز به اخراج و عدم پرداخت مزد به دادگاهها احضار تهدید و مورد بازداشت و پرونده سازی قرار گرفتن و اکثریت بالایی از نماینده ها و فعالین موثر معدود تشکلهای مستقل کارگران و معلمان در دادگاهها به زندانهای طویل المدت از ۵ تا ۱۴ سال محکوم و منتظر تایید و اجرای این احکام ظالمانه میباشند.

در ایران کوچکترین و مسالمت آمیزترین اشکال اعتراضی کارگران در محیطهای کار برای دریافت ماهها حقوق معوقه و یا اخراج و مسائلی از این دست بلافاصله با حضور نیروهای امنیتی در محل و امنیتی کردن این گونه اعتراضات با هدف ارضای کارگران مواجه میشود، در اینجا کارگرانی را که به اخراج و یا عدم پرداخت مزد

اعتراض میکنند، با حکم قضاوت همچون عهد بربریت شلاق میزنند. آخرین نمونه چنین مجازات شنیعی علاوه بر موارد متعددی که توسط تشکلهای مستقل کارگری ایران در طول سالهای گذشته به آن سازمان گزارش شده است، ۱۷ کارگر معدن طلای آق دره در آذربایجان شرقی میباشد که حدود دو هفته پیش حکم شلاق در مورد آنها در ملاعام اجرا شد.

اینجا در ایران، امنیت شغلی بدلیل گسترش قریب به صددرصدی قراردادهای موقت سه ماهه، یکماهه و سفید امضا مطلقا وجود ندارد. مزد برابر در ازای کار برابر هم به لحاظ جنسیتی و هم بدلیل گسترش و نهادینه شدن شرکتهای پیمانکاری در صنایع بزرگ و متوسط در میان مردان نیز کاملا برافتاده و تبعیض مزدی بیداد میکند، عدم پرداخت ماهها حقوق کارگران در سطحی گسترده به یک روال عادی در پرداخت مزد کارگران بدل شده است، کار کودکان بیش از پیش در حال گسترش و تبدیل شدن به امری عادی است،

اجازه برپایی هیچگونه تشکل مستقلی به کارگران داده نمیشود و اگر در مواردی همچون معدود تشکلهای مستقل موجود، کارگرانی جسارت به خرج داده و اقدام به برپایی چنین تشکل هایی بکنند به شدت مورد سرکوب قرار میگیرند و مطلقا به آنها اجازه حضور و دخالت در مسائل کارگران داده نمیشود.

به طور خلاصه بگویم: در ایران حق برگزاری تجمع، اعتصاب، راهپیمایی، ایجاد تشکلهای مستقل صنفی پرداخت بموقع دستمزد ها، امنیت شغلی، مزد برابر در ازای کار برابر، ممنوعیت کار کودکان و عدم تحمیل اضافه کاری به عنوان حقوق بنیادین کارگران و معلمان به خشن ترین و گسترده ترین شکلی توسط حکومت پایمال و نماینده ها و فعالین کارگری و معلمان با محکومیت های طویل المدت مواجه و به زندان افکنده میشوند.

نکات مهمی که من بطور فشرده به آنها پرداختم مسائلی

نیستند که ما به عنوان فعالین و معدود تشکلهای و نهاد های مستقل کارگری ایران گزارش هر ساله ی آنها را به سازمان جهانی کار نداده باشیم. ما در طول حداقل یکدهه ی گذشته هر ساله اینکار را کرده ایم. مقایسه این گزارشها از ده سال پیش به این سو نشان میدهد که نه تنها دولت جمهوری اسلامی خود را ذره ای ملزم به رعایت حقوق بنیادین کارگران نکرده است بلکه ما با عدم پرداخت بوقوع دستمزد ها در ابعادی بسیار گسترده نابودی آخرین ذره های امنیت شغلی، تبعیض جنسیت بیشتر، محو مزد برابر درازای کار برابر، گسترش کم سابقه سیاست امنیتی کردن اعتراضات مسالمت آمیز کارگران در محیطهای کار توأم با تهدید، ارباب احضار بازداشت، پرونده سازیهای امنیتی و سرکوب سازمان یافته و سیستماتیک تر نسبت به سالهای دهه هشتادشمی و نسبت به همین سه سال پیش مواجه بوده ایم.

ما کارگران ایران سازمان جهانی کار را بر قوام و دوام چنین وضعیتی بی نقش نمیبینیم چرا که این سازمان نه تنها به مسئولیتهای خود در قبال وظیفه ایی که نسبت به جلوگیری از نقض حقوق بنیادین کارگران توسط دولتتهای عضوش دارد، عمل نمیکند. بلکه تا آنجاکه به موضوع حضور نماینده های به اصطلاح کارگری ایران در اجلاس سالیانه ILO برمیگردد چشم خود را سالهاست بر روی این واقعیت محرزیز میبندد که کسانی که هر ساله تحت عنوان نماینده های کارگران ایران در اجلاس سالیانه آن سازمان شرکت میکنند نه منتخب کارگران ایران، بلکه افراد دست ساز و منتخب نهاد های امنیتی هستند که بطور خالصانه ایی متعهد به حفظ منافع دولت ایران میباشند.

به همین دلایل نیز بود که من و همبندیم اسماعیل عبدی دبیر کانون صنفی معلمان در بیانیه مشترکمان برای اعتصاب غذا، اعتراض به سازمان جهانی کار ILO را بدلیل عدم شفافیت و عمل موثر در قبال نقض حقوق بنیادین کارگران و معلمان ایران، یکی از محورهای اصلی اعتراض به اعتصاب غذایی خود اعلام کردیم.

جناب دبیر کل و نماینده های کارگری حاضر در اجلاس

من از پشت میله های زندان اوین و در بیست و نهمین روز اعتصاب غذایی، بار دیگر با صدایی رسا این اعتراض را به سازمان جهانی کار اعلام میدارم و از نماینده های کارگران جهان که در اجلاس جاری ILO حضور دارند میخواهم تا همصدا با ما کارگران ایران، عدم شفافیت و عمل موثر ILO در قبال نقض حقوق بنیادین کارگران ایران و بی تفاوتی این سازمان نسبت به اعتصاب غذا و اعتراض من و اسماعیل عبدی و عملکردش را مورد اعتراض متحدهاند خود قرار بدهند و مصراانه از سازمان جهانی کار بخواهند تا دولت ایران را متعهد و ملزم به رعایت حقوق بنیادین کارگران ایران پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات صنفی کارگران و معلمان و خارج کردن اتهامات امنیتی از پرونده های مفتوح کارگران و معلمان معترض و پرونده های فعالین صنفی زندانی بنمایند.

متشکرم

جعفر عظیم زاده بند ۸ اوین
۷ خرداد ۹۵ (۲۷ می ۲۰۱۶)

نامه بهنام ابراهیم زاده به دبیر کل سازمان جهانی کار، آی ال او به دبیر کل سازمان جهانی کار آقای گای رابندر به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

من بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری در زندانی رجایی شهر، این نامه را برای شما مینویسم. به جرم دفاع از حقوق کارگران، دفاع از حقوق کودکان و دفاع از حرمت انسانها، تحت عنوان "اقدام علیه امنیت ملی کشور" حکم زندان گرفته و ۶ سال از بهترین سالهای زندگی را در بازداشت بسر برده ام و همراه با من فرزندم و همسر نیز زیر فشار و آزاد بوده اند و همسر با تحمل شایسته همه مشقات همراه راهم بوده است. من بخاطر اینکه کوتاه نیامده و بر حقانیت مبارزاتم پای فشرده ام و همواره سعی کرده ام صدای اعتراض مردم باشم، در پرونده جدیدی به هفت سال و ده ماه حبس دیگر محکوم شده ام.

مطمئن هستم که شما از سرنوشت من و کسانی چون من و احکام زندانی که به ما داده شده و آنچه بر ما کارگران میگذرد خبردارید .

مطمئن هستم که شما از جریان مرگ ناگوار و مشکوک کارگر زندانی شاهرخ زمانی در زندان رجایی شهر با خرید.

مطمئن هستم که شما از وضعیت نگران کننده جعفر عظیم زاده که از روز ۲۹ آپریل تا کنون در اعتصاب غذا بسر میبرد، با خرید. جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در بیانیه ای مشترک خواستشان لغو تمامی پرونده های فعالین کارگری و معلمان معترض و ... با اتهاماتی چون "اخلال در نظم امنیت ملی" است. چرا شما سکوت کرده اید. آیا تمامی اینها نقض آشکار مقابله نامه های سازمان شما نیست که ایران هم در آن عضو است.

ما بارها گفته ایم هیات ایران نماینده ما کارگران و ما مردم نیست. ایران ناقض حقوق پایه ای ما کارگران و ما مردم از جمله حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و حق دفاع از زندگی و معیشتمان و داشتن یک زندگی درخور انسان است. اعتراض من و اعتراض ما کارگران در ایران به حضور این هیات در اجلاس سازمان جهانی کار است و با نوشتن این نامه میخواهم صدای اعتراض ما به اجلاسی که در پیش است برسانم.

در عین حال من از همه سازمانهای کارگری میخواهم که از ما کارگران زندانی و از کارزاری که در دفاع از حق تشکل و حقوق برحق ما کارگران و ما معلمان از سوی جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی به راه افتاده است، دفاع کنند. از جعفر عظیم زاده که در وضعیت نگران کننده ای بسر میبرد حمایت کنید.

من اعلام میکنم که به لیست امضاهای کارزاری که در حمایت از جعفر عظیم زاده و خواستههایش به راه افتاده می پیوندم و از همه سازمانهای کارگری، نهادهای مدافع حقوق بشر و همگان هم انتظار دارم به این کارزار پیوندید و همراه ما کارگران به حضور هیات ایران در اجلاس سازمان جهانی کار اعتراض کنید.

بهنام ابراهیم زاده
از زندان رجایی شهر

**

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

به کشاورزی و توریسم اهمیت بدهد و آنرا راه اندازی کند". همچنین نماینده کشورهای GV اظهار داشته که از ۵۰۰ میلیون دلار اهدا شده به دولت عراق که به زودی به عراق می رسد، سهم اقلیم کردستان هم در نظر گرفته شده. کنفرانس نقشه راه قرار است چگونگی خروج حکومت اقلیم از بحران کنونی و اوضاع سه سال آینده و رفرمهای لازم را در دستور بگذارد. لازم به ذکر است که حکومت اقلیم بیش از یکسال است که با بحران اقتصادی شدیدی روبروست و هم اکنون چندین ماه است به بهانه بحران و نبود بودجه حقوق کارمندان دولت را پرداخت نکرده. بهانه حکومت اقلیم بد قولی های حکومت عراق در ندادن سهم ۱۷ درصدی بودجه اقلیم و نبود در آمد می باشد، اما چیزی که اینها می خواهند قایم کنند و بازهم مثل ۲۵ سال گذشته مردم را دنبال خود سیاه بفرستند این است که سران این حکومت چنان در فساد مالی و سیاسی غرق شده اند که بیشتر درآمد حکومت اقلیم هم اکنون صرف سران مفت خور احزاب ناسیونالیست حاکم و دار و دسته های مافیائی دور و برشان می شود. دزدی و چپاول در حکومت اقلیم چنان بالاست که هیچ روزی نیست خود نمایندگان احزاب حاکم همدیگر را به دزدی و چپاول متهم نکنند و یا آماری از پولهای ناپدید شده را علنی نکنند. بهرحال راه حل بانک جهانی و کشورهای بورژوازی غربی مثل همیشه سر شکن کردن بار بحران بورژواها بر سر طبقه کارگر و مردم محروم است، اما راه حل واقعی و خلاصی مردم از فقر و فلاکت کوتاه کردن دست احزاب دزد و فاسد ناسیونالیست و مذهبی است که بیش از ۲۵ سال است اقلیم کردستان را در بی ثباتی و سرگردانی نگه داشته اند.

اعتراض بخشی از دانشجویان نمونه دانشگاه اقلیم!

روز دوشنبه ۳۰ ماه مه تعداد زیادی از دانشجویان فارغ التحصیل نمونه دانشگاه اقلیم کردستان در اعتراض به بی توجهی حکومت در

مقابل انجمن وزیران حکومت در شهر اربیل دست به اعتراض زدند. دانشجویان با بلند کردن بنر و پلاکاردهای زیادی خواهان کار مناسب برای خود و بیش از هزار و ۱۹۷ دانشجوی فارغ التحصیل از دانشگاه اقلیم شدند. در بخشی از پلاکارد دانشجویان شعارهایی همچون "ما همه از قشر زحمتکش جامعه ایم و پارتی نداریم، نه به دزدی و چپاول، آری به قانون، انجمن وزیران چرا تلاش و امیدهای ۱۶ ساله ما را بر باد می دهید"، نوشته شده بود. لازم به ذکر است که حکومت اقلیم و احزاب ناسیونالیست حاکم دزدی و چپاولشان تنها شامل مسائل چپاول و پارتی بازی اینها در تمام زمینه های سیاسی اقتصادی و اداره جامعه مشهود است. درصد بالایی از فارغ التحصیلان دانشگاههای اقلیم تنها بدلیل اینکه در یکی از احزاب خویش و فامیلی ندارند هیچگاه شانس بدست آوردن کار مناسب در رابطه با رشته های خود را بدست نمی آورند و برای همین هم فرار جوانان و تحصیل کردگان از اقلیم کردستان روز به روز افزایش می یابد و متأسفانه تنها در یکسال گذشته صدها نفر از مردم این دیار در راه رسیدن به اروپا و عمدتاً در آبهای بین ترکیه و یونان جانشان را از دست داده اند.

حقوق کارمندان دولت روز به روز با تاخیر بیشتری پرداخت می شود

بر اساس گزارشهای منتشر شده بسیاری از معلمان در اقلیم کردستان بیش از ۵ ماه است که حقوق نگرفته اند، همچنین يك کارمند پزشکی هم اعلام کرده که به مدت نه ماه هیچ حقوقی دریافت نکرده. در اواخر سال گذشته و همچنین اوائل امسال اعتراضات وسیعی علیه به تعویق افتادن حقوق ها از طرف کارمندان دولت و بویژه معلمان انجام گرفت، اما عملاً احزاب حاکم توانستند با وعده و وعید و ایجاد تفرقه در میان معترضان کارمندان را به سر کار باز گردانند. امروز نه تنها مردم و

کارمندان دولت می دانند که عملاً احزاب حاکم دارند به مردم دروغ می گویند و روزانه دهها هزار دلار از پول فروش نفت را خود روسا و کاربدستان حکومتی بالا می کشند بلکه حتی یکی از نمایندگان پارلمان در این باره می گوید: "حکومت نفت را می فروشد و در آمد بسیار خوبی عایدش می شود، اما امروز بیشتر از همیشه معلوم نیست که پول نفت کجا می رود". هفته گذشته نیز يك خبرگزاری افشا کرده بود که بر اساس آمارهای خود حکومت تنها در ده ماه گذشته ۳۳۰ میلیون دلار از پول فروش نفت ناپدید شده. با این مبلغ می توان حقوق بیش از ده ماه از کارمندان دولت را پرداخت کرد.

اطلاعیه انجمن امنیت اقلیم در باره جنگ با داعش!

روز دوشنبه ۳۰ مه انجمن امنیت اقلیم طی اطلاعیه ای خبر داد که در روزهای گذشته بیش از ۱۲۰ کیلومتر از اطراف شهر موصل را از دست نیروهای داعش آزاد کرده. در این اطلاعیه آمده است "در دو روز گذشته ۹ روستای اطراف شهر موصل توسط نیروهای پیشمرگ اقلیم آزاد شده و بیش از ۱۴۰ نفر از نیروهای داعش کشته شده اند". همچنین در این اطلاعیه به همکاری هوایی نیروهای ائتلاف علیه داعش اشاره شده که در آن ۷۵ بار مواضع داعش را بمباران کرده اند. لازم به ذکر است که نیروهای ائتلاف علیه داعش چندین ماه است تلاش دارند که خود را برای حمله به شهر موصل که دومین شهر بزرگ عراق است آماده کنند و به نظر می رسد که حمله اخیر نیروهای اقلیم و آزاد سازی این مناطق در راستای آمادگی برای حمله نهایی به شهر موصل باشد.

قید و شرط نمایندگان پارلمانی کرد برای برگشت به پارلمان عراق!

در روزهای اخیر و بعد از حمله طرفداران مقتدا صدر به منطقه امنیتی سبز که پارلمان عراق در آن قرار دارد و ضرب و شتم بخشی از نمایندگان پارلمانی احزاب ناسیونالیست کرد در پارلمان عراق، اینها با دو شرط خواهان بازگشت به بغداد شده اند، که عبارتند از ۱:

شده. لازم به ذکر است که پلیس اربیل که عمدتاً از نیروهای وابسته به حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی است بارها در این شهر مردم و هر صدای اعتراضی را با زور سرنیزه خفه کرده و علناً مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. آخرین خبرها حاکیست که روز دوشنبه ۳۰ مه صدها نفر از مردم شهر کوپه در اعتراض به کتک کاری یکی از بازیکنانشان توسط پلیس شهر اربیل دست به اعتراض زدند و خواهان دستگیری و محاکمه کسانی شدند که بازیکنان را مورد ضرب و شتم و قرار دادند.

آزادی یک روزنامه نگار بعد از هشت روز از زندان توسط نیروهای امنیتی حزب دمکرات!

روز ۲۶ مه ایسل آفیستا روزنامه نگاری که به قصد تهیه خبر و گزارش به شهر سنگال رفته بود بعد از هشت روز بازداشت از طرف نیروهای پلیس امنیتی شهر دهوک با قید ضمانت آزاد شد. ایسل آفیستا خبرنگار تلویزیون ستیرک که خود از ایزدیهای منطقه سنگال است بعد از برگشت از سنگال توسط نیروهای پلیس بازداشت شده بود و بعد از آزادی به خبرنگاران گفته است که در دو روز اول بازداشتش به وی هیچگونه آب و غذایی ندادند. گفته می شود از اوائل سال جاری تاکنون این چندمین خبرنگار است که در منطقه دهوک توسط نیروهای امنیتی آسایش وابسته به حزب دمکرات بازداشت می شوند.

حفظ امنیت منطقه سبز بغداد و امنیت نمایندگان پارلمان، ۲: ثابت ماندن پست وزرای کرد و یا در حالت جابجائی، تغییر آن توسط خود نمایندگان احزاب کرد در پارلمان. گفتنی است که از سال ۲۰۰۳ تا کنون که احزاب ناسیونالیست کرد شریک دولت قومی مذهبی حاکم بر عراق هستند بارها احزاب ناسیونالیست کرد شرطهایی را برای حضور خود در دولت عراق پیش کشیده اند، اما تا هم اکنون بخش زیادی از این قید و شرطها بدون جواب مانده است. از اوائل سال ۲۰۱۵ هم که اختلاف بر سر چگونگی فروش نفت توسط حکومت اقلیم و همچنین سهم بودجه حکومت اقلیم از دولت مرکزی اختلافات احزاب حاکم بالا گرفته و عملاً به شکاف عمیقی تبدیل شده که اکنون بخشی از ناسیونالیسم کرد تهدید به جدایی و استقلال را به وسیله ای برای سهم خواهی بیشتر از دولت مرکزی تبدیل کرده است.

پلیس اربیل بازیکنان دو تیم فوتبال را کتک کاری کرد!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز شنبه ۲۸ مه در بازی دو تیم فوتبال در شهر اربیل و در پی نزاعی میان بازیکنان دو تیم کوپه و گاز جنوب پلیس این شهر به میدان فوتبال می رود و چند تن از بازیکنان را مورد ضرب و شتم قرار می دهد. ویدیوی ضرب و شتم بازیکنان توسط پلیس اربیل در بسیاری از میدیای اجتماعی منتشر



تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!